

پیچ و خم رشد

• راهبرد مهار تورم برای پیش بینی پذیری اقتصاد، چه مختصاتی دارد؟

میثم خسروی /

کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس

و تغییر غیرقابل پیش‌بینی در قیمت‌های نسبی باعث می‌شود سرمایه‌گذار نسبت به قیمت‌های نسبی نهاده و ستانده در دوره‌های آتی که سرمایه‌گذاری وی به بازدهی می‌رسد دچار تردید شده و امکان برنامه‌ریزی در خصوص سرمایه‌گذاری را از دست بدهد.

این ابهام عملاً به معنای افزایش ریسک سرمایه‌گذاری بوده و با عنایت به اینکه اکثر فعالان اقتصادی ریسک‌گریز هستند، منجر به کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد خواهد شد. البته سرمایه‌گذاری صرفاً در سرمایه فیزیکی خلاصه نمی‌شود، بلکه تمامی شقوق سرمایه‌گذاری نظیر سرمایه انسانی، دانش و تکنولوژی که تحقق بازده آنها زمانبر است را نیز شامل می‌شود.

لازم است به این نکته توجه شود که تغییر قیمت‌های نسبی می‌تواند متأثر از عوامل حقیقی طرف عرضه (تغییر تکنولوژی یا بهره‌وری) و تقاضا (ترجیحات مصرف‌کننده) باشد که در این صورت مسیر اقتصاد باید تغییر کند و این تغییر قیمت منجر به انحراف منابع نمی‌شود، بلکه با تغییر شرایط لازم است تخصیص متفاوتی صورت بگیرد. به هر تقدیر تغییر قیمت‌های نسبی ناشی از تورم منجر به انحراف از تخصیص بهینه منابع و در نهایت کاهش تولید و مصرف در اقتصاد خواهد شد و نباید این زیان رفاهی را دست‌کم گرفت، چراکه به طور مثال میزان زیان رفاهی اقتصاد آژانتین از تورم ۵۰۰ درصد سالانه از محل تغییر قیمت‌های نسبی در حدود ۸.۵ درصد GDP برآورد شده است^۲.

از این مطلب می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که جدای از بحث تورم، هر گونه سیاستی که منجر به اختلال در قیمت‌های نسبی (تغییرات مقررات کسب‌وکار و...) شود، می‌تواند منجر به ایجاد نابهینگی در تخصیص منابع و کاهش تولید در اقتصاد شده و پیامدهای آن معادل پیامدهای ایجاد تورم قلمداد شود.

نکته مهم دیگری که از مباحث فوق‌الذکر مشخص است اینکه از زاویه تخصیص منابع، پیامد منفی نوسانات تورم یا بی‌ثباتی نرخ تورم به مراتب از پیامد منفی سطح بالای

در رابطه با آثار رفاهی تورم، سخن بسیار می‌توان گفت اما مهم‌ترین پیامد منفی تورم به یک ویژگی جدایی‌ناپذیر آن، یعنی به هم زدن قیمت‌های نسبی بازمی‌گردد. به دلایل مختلف از جمله تفاوت کشش‌های کوتاه‌مدت قیمتی کالاها، وجود اصطکاک‌های مختلف (نظیر قراردادهای بلندمدت) و اطلاعات ناقص کارگزاران اقتصادی، قیمت همه کالاها نسبت به قبل از تورم با یک ضریب (همان نرخ تورم) افزایش پیدا نمی‌کند و قطعاً پس از تورم قیمت‌های نسبی حداقل در کوتاه‌مدت دچار انحراف می‌شود. این تغییر در قیمت‌های نسبی از طریق چند سازوکار منجر به کاهش رفاه اقتصادی می‌شود.

اولین سازوکار، سیگنال‌دهی غلط به فعالان اقتصادی است که منجر به هدایت منابع اقتصاد به سوی فعالیت‌هایی می‌شود که بازدهی آنها صرفاً به واسطه اخلال در قیمت‌های نسبی جذاب شده است. دومین سازوکار به غیر قابل پیش‌بینی بودن تغییر قیمت‌های نسبی بازمی‌گردد. غیرقابل پیش‌بینی بودن تغییر قیمت‌های نسبی ناشی از تورم، یک نااطمینانی برای فعالیت‌های اقتصادی زمانبر نظیر سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند؛ نه تنها سرمایه‌گذاری بلکه هر تصمیمی که بازدهی آن در دوره‌های بعد قابل حصول باشد با یک ریسک سیستمی^۱ و غیرقابل بیمه مواجه می‌شود. این تصمیم می‌تواند سرمایه‌گذاری در ایجاد یک پلنت کارخانه‌ای جدید باشد یا اعطای یک تسهیلات بلندمدت توسط بانک‌ها یا حتی پیش‌فروش محصولات تولیدی توسط بنگاه‌های اقتصادی.

به عبارت دیگر تورم از طریق غیرقابل پیش‌بینی ساختن تغییر قیمت‌های نسبی، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را بشدت کوتاه‌مدت خواهد کرد. اگر با عنایت به اهمیت سرمایه‌گذاری بخواهیم اندکی بیشتر راجع به اثر تورم بر سرمایه‌گذاری صحبت کنیم، لازم است تصریح کنیم تورم